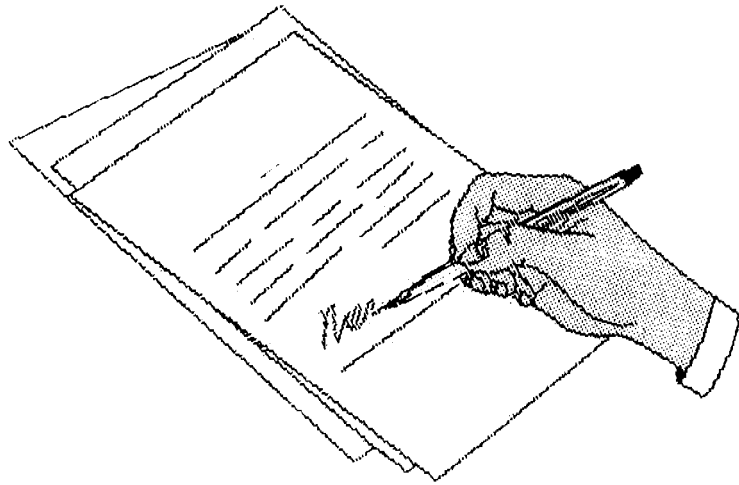


بانکهای تعاونی در جهان مالی متغیر: چالشها و چشم اندازها



(ارائه شده در کارگاه خدمات مالی در عرصه
جهانی - اتحادیه بین المللی تعاون - کبک
کانادا - ۱۹۹۹)

ترجمه: بابک لعل فام © منبع: اینترنت

<http://WWW.Coop.org/icha>

متن زیر سخنرانی آقای کلود بلان (Claude Beland) رئیس اتحادیه بین المللی بانک تعاون (International Co-operative Banking Association) و رئیس پیشین نهضت تعاونی های دژاردان در کبک (کانادا) می باشد که به مناسبت گنگره سال ۱۹۹۹ توسط اتحادیه بین المللی تعاونی ابراد گردیده است. این سخنرانی حاوی مطالب ارزنده ای در زمینه وضعیت بازار کشورهای مختلف در سطح بین المللی و بررسی چگونگی رویارویی تعاونی ها با تغییرات سریعی است که در حال شکل گیری هستند. با نظر به انجام مراحل تکوین و تشکیل بانک تعاون کشورمان که نقطه عطفی در نهضت تعاون ایران به شمار می رود، توجه خوانندگان محترم را به متن این سخنرانی جلب می نمایم:

اجازه می دهد که از منابع عمده مالی، انسانی و تکنولوژیکی به گونه ای کاملاً متفاوت از دیگر نهادها استفاده نمایند. برخی از این بانکهای بزرگ می توانند ۱ تا ۲ میلیارد دلار در سال در زمینه تکنولوژی هزینه نمایند. این هزینه ها بیشتر در مورد توسعه سیستم ها که به بانکها اجازه می دهد کانالهای توزیع (خدمات مالی) را به چندین برابر افزایش داده و اطلاعاتی را که درباره مشتریان شان دارند به روز نمایند. بدین ترتیب است که در آمریکا بانکهای مانند سیتی گروپ (Citi group) که حاصل ادغام بانکهای سیتی بانک (Citi bank) و تراولرز (Travelers) است می تواند ۲۰۰ میلیون دلار در سال برای گسترش شبکه های اینترنت خود هزینه کند.

همه می دانیم که تکنولوژی که به واسطه آن اطلاع رسانی، نوآوری و پیشرفت در ارائه خدمات مالی در سراسر جهان امکان پذیر می باشد، رشدش متوقف نخواهد شد. تکنولوژی

نهادهای مالی در صددند که نیروهای خود را منسجم کرده، تخصصهای خود را به طور مکمل در کنار یکدیگر قرار داده، حجم کارشان را افزایش داده و هزینه های خود را از طریق صرفه جویی در مقیاس و بهره جویی از بوروکراسی خدمات مالی کاهش دهند تا بتوانند خدمات کاملتری ارائه نمایند.

این ادغامها که در سالهای اخیر ارزششان کاملاً مشهود شده منجر به تمرکز منابع در بخش بانکداری و ایجاد چند ابرنهاد مالی گردیده است. مثلاً در حال حاضر ایالات متحده آمریکا ۹۰۰۰ بانک دارد در حالی که در اواسط دهه ۱۹۸۰ این تعداد ۱۳۵۰۰ بوده است و اکنون ۱۰ بانک بزرگ آمریکا $\frac{1}{3}$ منابع (مالی) آن کشور را کنترل می کند.

هزینه های کلان در زمینه فناوری
این یکپارچه نمودن قدرت به این بانکهای بسیار بزرگ که در سالهای اخیر ایجاد شده اند

خانمها و آقایان
دوستان عزیز تعاونگر
اجازه دهید صحبتم را با بیان نکته ای شروع کنم که احتمالاً خودتان هم مستحضرید. در چند سال گذشته بخش خدمات مالی در جهان تغییرات عمده ای به خود دیده است و این تغییرات عمده هر نهاد بانکی را مجبور می سازد که با وضعیت جدید خود را تطبیق دهد.

ادغامها و دستاوردهای مختلف
از میان برداشته شدن مرزها و یکپارچه شدن نظامهای اقتصادی ملی و تبدیل آنها به سازمانهای بزرگی مثل بازار اروپا یا پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) تنها بخشی از یک روند عظیم است که رو به سوی انجام بخش خدمات مالی دارد.

از اوائل دهه ۱۹۹۰ تاکنون در بخش خدمات مالی سالانه به طور متوسط شاهد ۴۰۰۰ ادغام مؤسسات مالی بوده ایم.

سرمایه گذاری سنگینی را از سوی مؤسسات مالی طلب می‌کند و به آنها برترین مزیت را نسبت به دیگر نهادها می‌دهد.

سیر صعودی بهره‌وری

در دهه گذشته دیدیم که منسجم نمودن قدرت نهادهای مالی، عقلایی کردن شبکه‌های توزیع این خدمات و کاربرد فزاینده تکنولوژی هوشمند بانکها را قادر به ارتقاء بهره‌وری نموده است. در اواسط دهه ۱۹۸۰ متوسط نسبت هزینه در آمد ۷۶٪ بود که امروز به ۵۸٪ تقلیل یافته است. حتی برخی از بانکها نسبتهای پایین‌تر از ۵۰٪ دارند. این نکته تأثیر مشخصی بر قابلیت رقابت نهادهای مالی دارد.

افزایش رقابت

در بسیاری از کشورها وضعیت بدین گونه است که بانکها با لشکری از رقبای جدید روبرو هستند و در رقابت هر گونه ابزاری را که برای ارائه تولیدات و خدمات مالی می‌توان استفاده نمود به کار می‌گیرند. آنها از طریق پست، تلفن، اینترنت، فرستادن فروشنده‌های بسیار به منازل و محل‌های کار، با شعبه‌های کوچک خرده فروشی و هر چیز دیگری که بتوان فکرش را کرد به سراغ مشتریان می‌روند. ایجاد کنندگان این رقابت نه فقط بانکهای داخلی و خارجی بلکه شبه بانکها نیز می‌باشند. درست به مانند کمپانی‌های مالی از مثل کمپانی‌هایی که یک محصول خاص را عرضه می‌کنند. (فی المثل

می‌کنند و نیز چون تعاونی‌ها در تمام قاره‌ها قدرت یکسانی ندارند لذا روشن است که وضعیت کنونی چالشهایی را ایجاد می‌کند.

بانکهای تعاونی حوزه‌های متفاوت

به هر حال باید اعتراف کنیم که همه نهادهای مالی تعاونی در معرض چالش نیستند. اعضاء انجمن بین المللی بانک تعاون همگی دارای پیشینه‌های مختلف بوده و به طور یکسان آمادگی رویارویی با مشکلات آینده را ندارند. در حقیقت قدرت مالی بانکهای تعاونی صرفاً در چند کشور متمرکز شده است و در سایر کشورها تعاونی‌ها باستی با منابع محدودتری بسازند. برای این که اطلاعات بیشتری به دست

من معتقدم نهضت تعاون آینده درخشانی خواهد داشت چرا که بسیاری از عوامل به نفع آن در حال فعالیتند از جمله اینکه مادر مقطعی از تاریخ هستیم که بدلیل خیزش‌های اقتصادی در سرتاسر جهان افراد مناطق مختلف نیاز به نهادهایی دارند که از طریق آنها بتوانند برای رشد و توسعه خود فعالیت نمایند.

تمام این شرایط چالش را برای بانکهای تعاونی بزرگ‌تر و مهم‌تر می‌نمایند چرا که ساختار هزینه‌های سنگین‌تری نسبت به رقبای سرمایه دارشان دارند. این پیشرفتها میزان سود را پایین آورده و برای بانکهای تعاونی عرصه چالشی جدی را ایجاد می‌کنند تا آنها قدرت رقابت تولیدات و خدمات خود را در آن حفظ نمایند.

در حقیقت تعاونی‌ها خوب می‌دانند که اگر اعضایشان در جای دیگری خدمات و تولیدات بهتری با قیمت مناسب پیدا کنند یک ثانیه هم تردید نخواهند کرد. اگر به اعضاء تعاونی بهتر اطلاع رسانی کرده و دائماً از آنها خواسته شود آنها بیشتر طلب نموده و به دنبال بهترین ارزش خواهند بود. اگر بانکهای تعاونی اجازه دهند که اختلاف سطح بهره‌وری آنها با بانکهای خصوصی بیشتر شود در بلند مدت با کاهش تعداد اعضاء روبرو شده و یا دست کم درآمدها کاهش خواهد یافت چرا که اعضاء با آنها معاملات کمتری انجام خواهند داد.

کمپانی‌های کارنهای اعتباری یا بنگاههای املاک رهنی) شرکتهای بیمه، شرکتهای مدیریت مالی و بانکهای غیر رسمی) برخی از این نهادها از روشهای تهاجمی بسیار شدیدی برای بازار بانی استفاده می‌کنند. بدین ترتیب که محصولات خاصی را برای دوره‌های ویژه به زیر قیمت یعنی ضرر می‌فروشند تا بتوانند در کشور جدید جای پای ایجاد نموده و آگاهی و سهمی از بازار را به دست آورند. این روشها فشار شدیدی را به نهادهایی که از قبل در این بازارها فعالیت داشته‌اند وارد می‌کنند.

این جریان‌ها که به سرعت در حال تغییر جهان خدمات مالی است بانکداران سراسر جهان را نگران نموده و آنها را مجبور به اجرای تغییرات مختلف نموده و در حقیقت بانکهای خصوصی نیز به مانند بانکهای تعاونی در معرض خطر هستند و باستی تدابیری مشابه بانکهای تعاونی اتخاذ نمایند.

ولی از آنجایی که تعاونی‌ها اصالتی ویژه داشته از ارزشهایشان الهام می‌گیرند طبق مقرراتی متفاوت از بخشهای خصوصی کار

آورید. کتاب *Profildes institutions cooperatives dans le monde* یا وضعیت نهادهای بانکی تعاونی جهان را برای شما توصیه می‌کنم. این کتاب توسط تیمی از مؤسسه آموزش عالی بازرگانی *Ecole des Hautes Etudes commerciales* که وابسته به دانشگاه مونترآل است برای انجمن بین المللی بانک تعاون تهیه شده است. این کتاب همچنین، به زبان اسپانیولی نیز در دسترس است. در این کتاب ما می‌بینیم که قاره آسیا نزدیک ۴۵ درصد منابع تعاونی را در بخش بانکی در اختیار دارد و اروپا ۴۷٪ از کل را، آمریکا ۸٪، استرالیا و نیوزلند ۰/۲٪ و آفریقا ۱ درصد را. در آسیا ۹۰٪ منابع در ژاپن متمرکز شده‌اند. در اروپا نهادهای فرانسوی، آلمانی و ایتالیایی و هلندی ۸۰٪ منابع تعاونی این قاره را در اختیار دارند و بقیه (۲۰٪) متعلق به ۲۳ کشور دیگر است. در آمریکا نهادهای بانکی تعاونی ایالات متحده و کانادا بیش از ۹۶٪ این منابع مالی را در اختیار دارند و کشورهای آمریکای لاتین ۴٪ باقی مانده را به خود اختصاص داده‌اند. بدین

ترتیب می‌توان دریافت که در چند کشور معین تمرکز شدید منابع مالی مشاهده می‌شود. در حقیقت در بین ۳۵۰ بانک تعاونی که در جهان فهرست شده‌اند و دارایی بالغ بر ۵۶۰۰ میلیارد دلار آمریکا دارند ۳۰ تا از بزرگترین بانکها ۹۸/۵٪ کل منابع را در اختیار دارند.

چالشی که برای یک تعاونی جدید وجود دارد با چالشی که برای یک مؤسسه بزرگ مالی تعاونی که در حال رقابت با رقبای سرمایه دار بوده و به دنبال سهم بازار می‌باشد یکسان نیست. در چند کشور تعاونی‌ها ابتدا بایستی سعی کنند پایه‌های محکمی ایجاد نمایند تا بتوانند شبکه‌های خود را سازمان داده و از دولت‌هایشان فضای حقوقی لازم برای رشد را کسب کنند. برخی از بانکهای کوچک تعاونی هنوز بسیار شکننده هستند. مثلاً در ۲۴ ماه گذشته مسائل اقتصادی و سیاسی برخی از کشورهای آمریکا لاین منجر به کاهش بیش از ۲۵٪ در منابع مالی آنها شده است. همچنین بحران مالی آسیا نیز برخی نهادهای مالی این منطقه را تحت تأثیر قرار داده است.

چندی از بانکهای تعاونی کوچک که در کشور و یا منطقه خود نسبتاً منفرد بوده و نمی‌توانند روی کمک مؤسسات دیگری که همان ارزشهای تعاونی را دارند حساب نمایند. اکنون خود را مجبور به تغییر ساختارهای حقوقی و مالی می‌دانند به طوری که سازگار شدن با نظام تعاونی را مشکل می‌بینند.

همچنین متأسفانه باید گفت که جامعه بین المللی تعاون هنوز راه حلهای خوب و دائمی پیدا نکرده است تا بتواند به واسطه آنها به طور پایدار به اعضا ضعیف کمک کند تا از این بحران خارج شده و در روند توسعه خود قدمی فراتر بردارد.

قطعاً همه ما تعاونیهای بزرگ را دیده‌ایم که گاهی اوقات به کمک تعاونی‌های جدید می‌آیند ولی این کار اغلب به صورت فردی بوده تا همگانی، به علاوه سازمان یافته و پایدار نیست.

ضمن این که در کارگاهها و سمینارهای آموزشی در می‌یابیم که هر کدام از ما به چه نکاتی باید بپردازیم افزون بر آن بایستی ابزاری نیز پیدا کنیم که به واسطه آنها بتوانیم مانند یک نهضت واقعاً جهانی عمل کنیم. کمبود

زمان، فشارهای مالی و ابعاد (بزرگ) چالشهایی که هر کدام از مادر مسائل خود با آنها رو به روست سعی در محدود کردن اقدامات اولیه و ابتکارات دارند. در حالی که این ابتکارات برای بانکهای بین المللی تعاونی بسیار لازم است تا بتوانند در رشد و توسعه مؤلفه‌های خود فعالانه عمل کنند.

برخی از بانکهای تعاونی که در اثر جریان کنونی تضعیف شده‌اند آینده‌ای مبهم دارند. دیگر بانکهای تعاونی که قدمت بیشتری داشته و در بازار موقعیت بهتری دارند نیز درگیر تغییرات عمده‌ای هستند تا قدرت رویارویی با فضایی خشن‌تر را داشته باشند. برخی از بانکهای تعاونی نیز به منظور افزایش حجم عملیات خود دست به ادغام زده‌اند. اغلب آنها باید قویاً به فکر پایین آوردن هزینه‌ها، خودکار کردن عملیات معمول و آموزش کارکنان و تبدیل آنها به مشاوران مالی آگاه باشند. تعاونی‌های سراسر دنیا نه تنها باید خود را برای تجهیز و ارائه با کیفیت‌ترین خدمات به اعضا اقدام نمایند بلکه به عقیده من تعاونی‌ها بایستی وارد سه چالش ویژه دیگر گردند که عبارتند از: سرمایه سازی، مشاوره بهینه و همبستگی جهانی و آموزش تعاونی.

چالش سرمایه سازی

اجازه بدهید اول نگاهی به موضوع سرمایه سازی داشته باشیم. می‌دانیم که بانکها باید سرمایه کافی داشته باشند. یعنی یک ضربه گیر مالی که آنها را در مقابل خطرات ناشی از وام دادن محافظت نماید. هنگامی که فعالیت‌های بانکی افزایش می‌یابد سرمایه نیز بایستی افزایش یابد ولی در تعاونی‌ها دارندگان سرمایه (یا سهام) هر کدام بایستی به یک اندازه بر فعالیت تعاونی کنترل و نظارت داشته باشند. یسعی یک نفر یک رأی و چون سرمایه تعاونی‌ها نمی‌تواند با گذشت زمان ارزش افزوده پیدا کند لذا مسئله ایجاد سرمایه جدید مشکل همه تعاونی‌ها است.

از آنجایی که تعاونی‌ها نمی‌توانند به مانند رقبای سرمایه دار خود مبادرت به صدور اوراق سهام نمایند لذا بایستی راههای دیگری بیابند تا بتوانند به اعضا خود یا دیگر سرمایه گذاران اجازه دهند که به درون تعاونی سرمایه تزریق

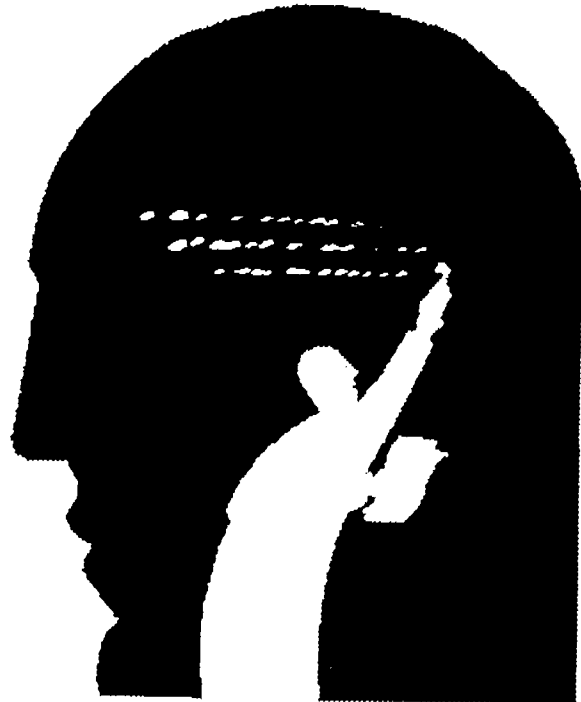
نمایند و در عین حال که به آنها مزایای خوبی پیشنهاد می‌کنند به مالکیت و ساختار تعاونی نیز بایند باشند.

تا زمانی که تعاونگران به اهمیت سرمایه سازی در تعاونی‌ها معترف نباشند و نیز با وقتی که سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری به داشتن بیش از یک رأی تمایل داشته باشند مسئله تأمین سرمایه همچنان باقی خواهد ماند و نتیجتاً باید به دنبال راه حلهای دیگری بود. در سالهای اخیر مسئله ایجاد سرمایه از هر نظر مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است ولی پیدا کردن راه حل اساساً تا حد بستگی داشتن به نوع اعضا محصور مانده و هرگز به عنوان تهدد به همبستگی در سطح جامعه جهانی تعاون مطرح نبوده است. ولی چالش اصلی هنوز هم برای تعاونی‌ها حل نشده باقی می‌ماند. این که تعاونی‌ها چگونه و با چه ابزاری می‌توانند جذب سرمایه نمایند بدون این که هویت خود را از دست بدهند. این چالش بسیار سخت و خشن است چرا که دولتها و بازارها نسبت به عناصری که از نظر آنها کم اهمیت هستند از جمله تعاونیها به ندرت اظهار همدردی می‌کنند. برخی تعاونی‌ها دامن مصالحه را فراختر کرده و در کنترل و مالکیت خود در مرز از دست دادن هویت تعاونی شان هستند.

ولی درباره آینده یک چیز مسلم است و آن این که نیاز به سرمایه در آینده نیز وجود داشته و نتیجتاً فشارها بیشتر خواهد بود. لذا این خطر کاملاً وجود خواهد داشت که تعاونی‌ها هویت خود را از دست داده و وارد جهان سرمایه داری شوند!

ایجاد وحدت عمل

علاوه بر مسئله سرمایه سازی من فکر می‌کنم چالشهایی که بر سر راه بانکهای تعاونی است دیر یا زود و البته من امیدوارم هر چه زودتر به اقدام منسجمی از سوی نهضت بین المللی بانکهای تعاونی نیاز پیدا کند. من تأکید می‌کنم که تاکنون ما فقط در حد حرف باقی مانده‌ایم نه عمل و استقبال بسیار کمی از به جلو راندن نهضت تعاون شده است. البته استثنائاتی نیز وجود دارند مانند فعالیت‌های فنی در تعاونی‌ها که از کیفیت بالایی برخوردارند ولی نشان می‌دهند که برای ارتقاء هر چه بیشتر آنها



در حقیقت تعاونی‌ها خوب می‌دانند که اگر اعضایشان در جای دیگری خدمات و تولیدات بهتری با قیمت مناسب پیدا کنند یک نایبه هم تردید نخواهند کرد. اگر به اعضای تعاونی بهتر اطلاع رسانی کرده و دائماً از آنها خواسته شود آنها بیشتر طلب نموده و به دنبال بهترین ارزش خواهند بود. اگر بانکهای تعاونی اجازه دهند که اختلاف سطح بهره‌وری آنها با بانکهای خصوصی بیشتر شود در بلندمدت با کاهش تعداد اعضا روبرو شده و یا دست کم درآمدشان کاهش خواهد یافت چرا که اعضا با آنها معاملات کمتری انجام خواهند داد.

متأسفانه روند فعلی بخش اعتباری تعاون دلالت بر این دارد که بخش اعتباری و مالی کارکرد اصلی و اولیه خود را فراموش کرده و در عوض مجذوب خرید و فروش، سودآوری آبی و ارزش افزوده برای سهام داران خود شده است در حالیکه هدف اولیه این بخش برای عموم مردم بایستی خدمت، حمایت و رشد جامعه باشد. اهمیت نهادهای اعتباری که برای مردم کار کنند و کفه ترازو را در مقابل گروههای مالی ناشناخته متعادل می‌سازند بیشتر معلوم می‌شود این موضوع به عنوان مثال در کانادا مصداق دارد بدین شکل که در آنجا نخست وزیر فرانسه برای رشد بانکهای تعاونی - اغلب اتحادیه‌های اعتباری - در چهارچوب اصلاحات پیشنهادی در بخش خدمات مالی تسهیلات را متمهد شده است.

به عقیده من فقط با ارائه خدمات با کیفیت به اعضا و با متقاعد نمودن آنها در زمینه ارزش افزوده رهیافت تعاونی و با جهانی کردن همبستگی در میان تعاونی‌های اعتباری است که نهضت بانک تعاون آینده درخشانی خواهد داشت و این چنین است که من از صمیم قلب امیدوارم به تحقق بپیوند.

که مهم است این است که تعاونی‌های بانکی (اعتباری) بتوانند به تعداد بیشتری از تعاونگران اتکا کنند یعنی تعاون گران واقعی و نه فقط مشتریان. این تعاون گران بایستی اعضای باشند با این اعتقاد که رهیافت تعاونی ارزش افزوده‌ای معنوی داشته و جامعه را متحدتر و همگن‌تر می‌نمایند و نتیجتاً در این جوامع همبستگی و دموکراسی به افراد اجازه خواهد داد که بر نهادهای جامعه خود - و از جمله نهادهای مالی - کنترل و نظارت داشته باشند.

از این دیدگاه من معتقدم نهضت تعاون آینده درخشانی خواهد داشت چرا که بسیاری از عوامل به نفع آن در حال فعالیتند از جمله اینکه ما در مقطعی از تاریخ هستیم که بدلیل خیزش‌های اقتصادی در سرتاسر جهان افراد مناطق مختلف نیاز به نهادهایی دارند که از طریق آنها بتوانند برای رشد و توسعه خود فعالیت نمایند.

ما هرگز در زمینه توسعه محلی (ملی) اقتصاد اجتماعی و یا اقتصاد همبستگی چیز زیادی نشنیده‌ایم در سرتاسر دنیا گروههای مردم و اجتماعات در حال انجام روندی خلاف جهانی شدن (یعنی منطقه‌ای شدن) هستند تا افراط‌های روند جهانی شدن اقتصاد را تضييع نمایند.

در این راستا نهادهای اعتباری تعاونی که ریشه‌های محلی دارند نقش مهمی ایفا می‌کنند

نیز تلاش زیادی لازم است.

هرکسی این احساس را دارد که بالاخره باید کاری کرد ولی هیچ کس نمی‌داند که دقیقاً چه باید کرد علیرغم لحظه‌هایی این چنین که سمینارها، کنفرانس‌ها و قراردادهای منطقه‌ای را با علاقه و اشتیاق شرکت کرده و دنبال می‌کنیم کار ما کاری بسیار منفرد و جدا از یکدیگر است و برای این که بتوانیم با رقابت فزاینده موجود کنار بیاییم بایستی رهبری گروهی بیشتری را ایجاد نماییم. درست است که فعالیتهای تعاونی در سطح محلی و ملی نیروی زیادی مصرف نموده و حتی بعضی از اوقات در زمینه ایجاد اتحادیه‌های جهانی محدودیت‌هایی ایجاد می‌کنند اما انسجام بیشتر در سطح ملی، نهضت‌های تعاونی را در سرتاسر جهان به خوبی تقویت نموده است با این حال جهانی شدن اقتصاد (Globalization) برای ما هیچ راهی باقی نمی‌گذارد - به جز این که تعلقاتی که ما را به هم متحد می‌سازند را تقویت نموده و این تعلقات را تبدیل به ابزار و وسایلی کنیم که نیازهای ما را بر طرف کرده و ما را به پیش برانند.

نیاز به آموزش تعاونی

نهایتاً این که بانکهای تعاونی، به مانند دیگر سازمانهای تعاونی - با چالش بزرگ کمبود آموزش روبرو هستند در جهان امروز آن چه